

● تحلیل‌ها و گزارش‌ها

نگاهی اجمالی به ابعاد حقوقی - سیاسی

تروریسم بین‌الملل و نهضت‌های رهایی‌بخش^۱

واژه‌ی مدرن تروریسم در ادبیات بین‌الملل از وقایع سال‌های ۹۴-۱۷۹۳ فرانسه و نیز دوران تزاری روسیه سرچشمه می‌گیرد. (۳) ترور الکساندر پادشاه یوگسلاوی در نهم نوامبر سال ۱۹۳۴، نخستین موج رسمی مخالفت با پدیده‌ی تروریسم به معنی جدید آن را باعث شد. (۴) این مخالفت در معاهده‌ی ضد تروریستی سال ۱۹۳۷ تیلور یافت که با عنوان پیشگیری و مجازات تروریسم به امضای ۲۴ کشور اروپایی، امریکای لاتین، هند، مصر و اتحاد جماهیر شوروی سابق رسید ولی هرگز جنبه‌ی اجرایی به خود نگرفت. معاهده‌ی یاد شده نخستین همکاری رسمی جامعه‌ی

پدیده‌ی ترور و تروریسم ریشه در تاریخ کهن دارد، اما استعمال این واژه از دهه‌ی ۶۰ میلادی به بعد به دلیل توسعه‌ی عملیات تروریستی معمول شده است. (۱) عملیات تروریستی فرقه‌ی اسماعیلیه در قرون یازده تا سیزده را می‌توان شکل سنتی و کهن تروریسمی دانست که در پشت چهره‌ی مذهب، خود را پنهان کرده بود. به همین سان هندوهای که در دوره‌ی حدود شش قرن برای دستیابی به اهداف خود به اقدام‌های تروریستی دست می‌زدند و یا یهودیان متعصب مخالف حکومت رم در فلسطین از نمونه‌های اولین تروریسم مذهبی در تاریخ هستند. (۲)

۱. این مقاله مقدمه‌ی است بر مباحث مختلف مربوط به بررسی ابعاد تروریسم که در کنفرانس در تهران (اسفند ماه) مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

جدی در تلاش‌های جامعه‌ی بین‌المللی برای ممنوعیت استفاده از زور در روابط بین‌الملل و تهدیدهای اساسی نسبت به زیست صلح‌آمیز جامعه‌ی بین‌المللی به وجود آورده است.^(۹) چرایی عدم کامیابی در تعریفی عام از تروریسم را می‌توان در دلایل زیر جست و جو کرد:

۱. بروز اشکال و گونه‌های مختلف

اقدام‌های تروریستی شامل تروریسم بیولوژیک،^(۱۰) تروریسم شیمیایی، تروریسم هسته‌یی، تروریسم اطلاعاتی^(۱۱) و غیره.

۲. دخالت قاطع و مسلط انگیزه‌ی سیاسی در انجام اقدام‌های تروریستی.

۳. تنوع گسترده در طیف انگیزه‌های سیاسی.

با این اوصاف تلاش‌هایی در سطح علمی و دیپلماتیک برای ارایه‌ی تعریفی قابل قبول از تروریسم انجام گرفته است. تلاش‌های علمی، نوشته‌های حقوقی، سیاسی، روان‌شناختی، آسیب‌شناسانه، جامعه‌شناختی و حتی فلسفی، تروریسم را شامل می‌شود، درحالی‌که تلاش‌های دیپلماتیک به تنظیم مقاله‌نامه‌های منطقه‌یی، موضوعی و تلاش برای دست‌یابی به مقاله‌نامه‌یی عام برای سرکوب تروریسم معطوف بوده است. کمیسیون حقوق بین‌الملل مقوله‌های زیر را اقدام‌هایی

بین‌المللی دوران پیش از جنگ جهانی دوم برای مقابله و سرکوب اقدام‌های تروریستی است.^(۵) ویژگی مهم تروریسم امروزی، جداشدن انگیزه‌های نهفته در آن از دیدگاه‌های مذهبی است. بنابراین حتی در مواردی که سازمانی سیاسی از عنوان مذهبی برای پیشبرد اهداف خود از اقدام‌های تروریستی خشونت‌بار استفاده می‌کند، ماهیتاً عناصر غیرمذهبی در قلب فعالیت‌های آنان قرار دارد. به عنوان مثال نهضت آزادی‌بخش ایرلند که عنوان کاتولیکی را برای خود برگزیده بود، عملاً اهداف ملی‌گرایانه و استقلال طلبانه را تعقیب می‌کرد.^(۶)

اشکال مختلف اقدام‌های تروریستی و

طیف وسیع انگیزه‌های آن، مانع دست‌یابی به تعریفی مورد قبول و جهانی برای تروریسم بوده است. از این رو مقاله‌نامه‌یی عام برای مقابله با این پدیده به وجود نیامد و در نتیجه اقدام‌های تروریستی مختلف در گوشه و کنار جهان، جان مردم بی‌گناه را همواره تهدید می‌کند. این معضل، مواضع مختلفی را از سوی کشورهای مختلف جهان باعث شده که هرکدام دیگری را به دست داشتن در تروریسم متهم می‌کنند.^(۷) پیدایی مفهوم تروریسم دولتی^(۸) و حمایت‌های آشکار پاره‌یی از کشورها از اقدام‌های سرکوب‌گرانه‌ی تروریستی، مواضع

در تلاش‌های دیپلماتیک برای برخورد با این نوع تروریسم، روش‌های سیاسی پیش‌شرط ضوابط حقوقی می‌باشد. نماینده‌ی چین در جریان بحث‌های مربوط به تدوین طرح مقاوله‌نامه‌ی بمب‌گذاری از این پیش شرط با عنوان حسن نیت جامعه‌ی بین‌المللی نام برد:

"حسن نیت و همکاری موثر جامعه‌ی بین‌المللی ضرورت حذف ریشه‌های تروریسم است. اگر جامعه‌ی بین‌المللی خود را به این ضرورت متعهد نکند و درعوض آنها را ایجاد کرده و توسعه بخشد، نمی‌توان پدیده‌ی تروریسم را ریشه کن کرد." (۱۴)

سیاسی بودن انگیزه‌های تروریستی به عنوان پدیده‌ی معاصر و خشونت‌بار مورد توجه سازمان ملل متحد قرار گرفته است. (۱۵) مجمع عمومی در قطعنامه‌ی شماره‌ی ۴۰/۶۱ به اجماع آرا همه‌ی اشکال تروریسم را محکوم کرد ولی در این محکومیت به حق مردم برای استقلال در همه‌ی سرزمین‌های استعماری و نیز حق آنها برای آزادی از رژیم‌های نژادپرست و سلطه‌ی خارجی اشاره نموده و تلاش آنها به ویژه نهضت‌های رهایی بخش را که براساس اهداف منشور ملل متحد و اعلامیه‌ی اصول حقوق بین‌الملل درخصوص روابط دوستانه و همکاری در میان ملت‌ها مبارزه می‌کنند را مشروع اعلام

تروریستی دانسته است:

۱. هر عمل منتهی به مرگ، آسیب جسمی جدی و یا محدودیت خشونت‌بار به آزادی رئیس کشور، افراد وابسته به دولت و برخوردار از امتیازهای آن، جانشینان وی، همسران و نیز افرادی که در هنگام بروز عمل تروریستی عهده‌دار وظایف عمومی یا مناصب عمومی باشند.

۲. اقدام‌های معطوف به انهدام و ضایع کردن دارایی عمومی یا دارایی‌های اختصاص داده شده به مصارف عمومی.

۳. هر نوع عملی که با ایجاد خطر عمومی، به ویژه هواپیمارمایی، گروگانگیری، حیات عمومی را به خطر انداخته است یا هر شکلی از خشونت علیه افرادی که از حمایت‌های بین‌المللی یا مسوونیت‌های دیپلماتیک برخوردارند.

۴. ساخت، نگهداری، دارا بودن و یا تأمین و تهیه‌ی سلاح، مهمات، مواد منفجره و ادوات کشنده با هدف ارتکاب عمل تروریستی. (۱۶)

پیچیده بودن پدیده‌ی تروریسم مانع از آن شده است تا تعریفی اجماعی از آن حاصل شود (۱۷) و یا تعریفی نسبت به دیگران جامع‌تر باشد. ولی آنچه که مهم است این که در همه‌ی آنها وجود انگیزه‌ی سیاسی محدودیت دارد. لذا

نمود. (۱۶) در این‌جا تمایز روشنی میان تروریسم و مبارزات حق طلبانه‌ی ملت‌ها برقرار شده است.

مطالعه‌ی جالبی براساس محتوای ۱۰۹ مورد تعریف از تروریسم انجام گرفته است که حضور عنصر سیاسی را در اقدام‌های خشونت‌بار تروریستی نشان می‌دهد. اشمیت در بررسی خود به این نتیجه رسیده است که در ۸۳/۵ درصد مثال‌ها با یک‌دیگر تداخل دارند. (۱۷) ولی آن‌چه که مسلم است این‌که هسته‌ی مرکزی همه‌ی مطالعات انجام شده به لحاظ سیاسی هدفمند و بر عنصر خشونت قرار دارد و از هیچ نوع ضابطه‌ی انسانی یا محدودیتی در انجام آنها تبعیت نکرده است.

وجود عنصر سیاسی در اقدام‌های خشونت‌بار تروریستی باعث شده است، گروهی از کشورها با توجه به انگیزه‌های سیاسی و سوابق تاریخی خویش در این موضوع منفعت مهمی داشته باشند. (۱۸) یک گروه کشورهایی نظیر ایالات متحده‌ی آمریکا، اسرائیل و پاره‌یی از دولت‌های اروپای غربی هستند که خواهان محکومیت و انجام اقدام‌هایی بدون قید و شرط برای تروریسم می‌باشند. نماینده‌ی کانادا در کمیته‌ی حقوقی مجمع عمومی با اشاره به این‌که هیچ کشوری از تروریسم مصون و در امان

نیست، اظهار داشت اهمیت این دست‌آورد (قطعه‌نامه‌ی شماره‌ی ۴۰/۶۱) را باید همواره مورد توجه قرار داده و روند محکومیت قید و شرط تروریسم را تسریع کنیم. (۱۹) "گروه دیگری، کشورهای هستند که در حیات سیاسی خویش با رنج سلطه‌ی خارجی و استعماری مواجه بوده و یا هم اکنون از نتایج مستقیم و یا غیرمستقیم آن در رنج هستند. این دسته از کشورها علاقه‌مند به ایجاد خط تمایزی میان اقدام‌های تروریستی و اقدام‌های مشروع و قانونی نهضت‌های رهایی بخش هستند. نماینده‌ی سودان در کمیته‌ی ششم مجمع عمومی این خواست سیاسی کشورهای فوق را به خوبی توضیح می‌دهد:

"تلاش‌های مربوط به مبارزه با تروریسم باید با فهم علل ریشه‌یی تروریسم و حذف آنها همراه باشد... این علل شامل اشغال خارجی، فقر و غفلت نسبت به آن است که به ارتکاب اقدام‌های تند تروریستی منجر می‌شود. (۲۰)"

به نظر وی حل این معضلات پیش شرط ضروری مبارزه با تروریسم است. نماینده‌ی بنگلادش نیز علل ریشه‌یی تروریسم را ناامیدی و نارضایتی حاصل از محرومیت طولانی مردم از آزادی دانست. (۲۱) دخالت عنصر سیاسی در این بحث مانع از دست‌یابی به

هدف شما عادلانه است؟" (۲۵) واقعاً چگونه می‌توان خسارت‌های اقدام‌های تروریستی یعنی هدف قراردادن جان مردم بی‌گناه در جریان بمب‌گذاری، هواپیمارمایی و اقدام‌های مشابه را در پناه هدف مشروع توجیه کرد؟ لذا این تلقی عمومی که می‌توان برای علاج نارضایتی، راه خشونت را انتخاب کرد (۲۶)، قوام منطقی خود را در دفاع از جان و مال مردم بی‌گناه از دست می‌دهد.

برجسته کردن ویژگی سیاسی پاره‌یی از اقدام‌های تروریستی و نادیده گرفتن ویژگی حقوقی آن به عنوان تعرضی نسبت به صلح و هم‌زیستی کشورهای، در پاره‌یی اوقات در تبلیغاتی سیاسی انجام می‌شود تا توجیه مناسب برای اهداف نهفته در آن را تأمین کند. در بهترین شرایط ممکن، این چنین اقدام‌ها، اتهام‌هایی را متوجه کشورهای می‌کند که به نهضت‌های رهایی‌بخش کمک می‌کنند. بنابراین توضیح حقوقی کافی میان دو مقوله‌ی تروریسم و نهضت رهایی‌بخش اهمیت می‌یابد. این اهمیت تا به آن‌جاست که شیوه‌ی رفتاری کشورها در قبال پدیده‌ی تروریسم را مشخص می‌کند. با این وجود هنوز هم تمایزی میان دو مقوله برقرار نمی‌شود و معلوم نیست واقعاً در شرایط گروگان‌گیری، حمله به نیروها و افراد مورد

تعریفی دقیق از تروریسم است، لذا این گرایش بر بحث‌های امروزی غلبه یافته است که با رهیافتی حقوقی و مبتنی بر جنایی بودن عمل تروریستی و صرف‌نظر از انگیزه‌های نهفته در آن با تروریسم مبارزه شود. (۲۲)"

برخی از دیگر نوشته‌ها به عنصر اخلاقی بودن در پدیده‌ی تروریسم نظر دارند و این معیار را برای تمیز تروریسم از نهضت‌های رهایی‌بخش به کار می‌برند. در این دیدگاه اگر هدف عادلانه و برحق باشد ابزارها و شیوه‌های دست‌یابی به آن قابل اعتراض نیستند. (۲۳) یکی از پژوهشگران پدیده‌ی تروریسم معتقد است که تعریف تروریسم حایز اهمیت نیست، بلکه اخلاقی و یا صحیح بودن آن باید مورد توجه قرار گیرد. (۲۴) در این دیدگاه هر چند مشروعیت اقدام‌های تروریستی برای دست‌یابی هدفی مشروع و عادلانه مورد توجه قرار گرفته است ولی نباید از نظر دور داشت که توجیه آن نمی‌تواند رافع آثار تروریستی باشد. در واقع همان‌طور که ضابطه‌ی عادلانه بودن هدف، مورد توجه قرار می‌گیرد، عادلانه بودن شیوه‌ها نیز باید مد نظر باشد. براساس ضرب‌المثل فرانسوی مربوط به جریان جنگ‌های مذهبی قرن شانزدهم که می‌گوید: "اگر رفتار شما ناعادلانه باشد، چه کسی باور خواهد کرد که

سیاسی دارد باید مرتفع شود (۲۸) و این امر تنها از راه ایجاد و اراده‌ی سیاسی امکان‌پذیر است.

با تصریح بر مشکلات پیچیده‌ی حقوقی- سیاسی برای برقراری وجه تفکیک میان تروریسم، نبردهای پارتیزانی و نهضت‌های رهایی‌بخش، مانعی عمده در دست‌یابی به تعریفی واحد از اقدام‌های خشونت بار و به تبع آن اقدام‌های واحد برای سرکوب تروریسم ایجاد می‌شود، اما از منظر حقوق بین‌الملل ضرورتاً باید برانجام تلاش‌هایی جهت تفکیک میان تروریسم و نهضت‌های رهایی‌بخش تأکید کرد.

از نظر حقوق بین‌الملل رابطه‌ی میان تروریسم، نبردهای پارتیزانی و نهضت‌های رهایی‌بخش برای تعیین مفهوم تروریسم مهم است. برای تشخیص نبرد پارتیزانی و نهضت رهایی‌بخش چهار معیار را می‌توان برشمرد؛ نامنظم بودن نبرد، تحرک پنهان، شدت تعهدات سیاسی و پایگاه‌های زمینی. (۲۹) این معیارها برای جنگ‌های ملی و تحرکات مربوط به نهضت‌های رهایی‌بخش آن‌گونه که در جنگ جهانی، پارتیزان‌های فرانسوی انجام می‌دادند به کار می‌رفت. این ویژگی‌ها می‌تواند قابل اطلاق به فعالیت‌های جنگی و نیز سیاسی گروه‌های رهایی‌بخش امروزی نیز باشد. (۳۰) از چهار ویژگی نبردهای مذکور، سه مورد اول به

حمایت هواپیمارایی و به ویژه بمب‌گذاری در مکان‌های عمومی، می‌توان عمل ارتكابی را که ماهیتاً به لحاظ حقوقی جنایتی علیه افراد و منافع عالم و از همه مهم‌تر تهدیدی به روابط مسالمت‌آمیز میان کشورهاست، تحت پوشش مبارزات ملی و رهایی‌بخش توجیه کرد. از این روست که مجمع عمومی در قطعنامه‌ی شماره‌ی ۴۰/۶۱ ضمن به رسمیت شناختن تلاش‌هایی نهضت‌های رهایی‌بخش، عمل تروریسم را صراحتاً محکوم می‌کند:

"همه‌ی اعمال و روش‌ها و شیوه‌های تروریستی به عنوان عملی جنایی، صرف‌نظر از این که در کجا و یا توسط چه کسی انجام شود، مشتمل بر اقدام‌هایی که روابط دوستانه و امنیت میان ملت‌ها را به خطر اندازد، محکوم است. (۲۷)"

البته این محکومیت نتوانست از سطح ارزشی اخلاقی و توصیه‌ی فزاتر رود و در چشم‌انداز اتخاذ تعریفی واضح از تروریسم را جدای از اقدام‌هایی که توسط نهضت‌های رهایی‌بخش انجام می‌گیرد، روشن کند. واقعیت این است که تفکیک مذکور نیازمند وضع استاندارد دوگانه‌ی است که در حال حاضر تحقق آن نوید بخش نیست چرا که بسیاری از مشکلات موجود در جامعه‌ی بین‌المللی که ماهیتی

مشروعیت از اصل حق دست‌یابی به استقلال، خودمختاری و برابری حقوقی سرچشمه می‌گیرد که یکی از اصول مسلم حقوقی بین‌المللی است. اغلب کشورهای جهان، سازمان‌های بین‌المللی و از همه مهم‌تر سازمان ملل متحد ویژگی نهضت‌های رهایی بخش نظیر سازمان آزادی‌بخش فلسطین را به عنوان سوژه‌های حقوق بین‌الملل به رسمیت شناختند چرا که تلاش این سازمان‌ها، بنیانگذار اراده و خواست مردم آنهاست. (۳۲)

اصل حقوق برابر و خودمختاری، ایجاد کننده‌ی حق تلاش مسلحانه برای حصول این حقوق است. ممنوعیت استفاده از زور در روابط بین‌الملل شامل ممنوعیت اعمال زور بر دیگر مردم است و لذا از این دیدگاه سلطه‌ی خارجی در مقابل مردم نوعی متجاوز تلقی می‌شود. طبق پاراگراف ۳ از ماده‌ی ۱۹ طرح مسؤلیت بین‌المللی دولت‌ها، تخلف از تعهدات مبتنی بر خودداری رژیم‌های استعماری از اعمال زور، جنایتی بین‌المللی است. این‌گونه جنایت خطری برای صلح و امنیت بین‌المللی است و با منافع حیاتی و حقوق جامعه کشورها ارتباط دارد. بنابراین نهضت‌های رهایی‌بخش برای دست‌یابی به حقوق مسلم خود حق بر خودداری از حمایت‌های دیپلماتیک، مادی و نظامی را نیز

تروریسم مدرن قابل اطلاق است. درحالی که مشخصه‌ی چهارم فقط بر تحرکات ارتش آزادی‌بخش ایرلند (سابق)، گروه‌های ضد استعماری افریقا، گروه باسک اسپانیا و نیز سازمان‌های ضد صهیونیستی لبنان و فلسطین قابل تطبیق است که برای استقلال ملی و در دست گرفتن قانونی کنترل سرزمین خود مبارزه می‌کنند. در واقع می‌توان گفت مرز میان نهضت‌های رهایی بخش و تروریسم حالتی سیال دارد و به گونه‌یی که عناصری از آنها بر یک‌دیگر انطباق می‌یابند. سیال بودن دو نوع پدیده در ذات عمل ارتكابی یعنی خشونت قرار دارد که از طریق اقدام‌های فراملی علیه مردم انجام می‌گیرد و انگیزه‌های سیاسی، قومی، مذهبی یا اجتماعی در آن دخیل است. در واقع اینان می‌کوشند، دگرگونی‌های بنیادین در کشورهای خاص خود یا در شرایط بین‌المللی به وجود آورند (۳۱). از این روست که برای خروج از حالت سیال و برقراری وجه تفکیک باید به رهیافتی حقوقی دست یافت و با معیار جنایی بودن عمل ارتكابی با تروریسم برخورد کرد.

نهضت رهایی بخش و نبرد پارتیزانی مؤید اراده و خواست مردم مبارز برای دست‌یابی به سرنوشت خویش است و درحقوق بین‌الملل مبنای مشروع و مقبولی دارد. این

است. قطعنامه‌ی شماره‌ی ۳۱۰۳ مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز نهضت‌های رهایی بخش را در زمره‌ی جنگ‌های بین‌المللی تلقی کرده و حقوق مخاصمات مسلحانه را برآن قابل اعمال می‌داند. طبق این قطعنامه مخاصمات مسلحانه مربوط به تلاش‌های مردم در مقابل استعمار و دیگر رژیم‌های سلطه طلب بیگانه درگیری مسلحانه بین‌المللی می‌باشند و لذا مبارزان این نبردها که علیه سلطه‌ی خارجی و یا رژیم‌های نژادپرست مبارزه می‌کنند، موضوع رژیم‌های حقوقی ناظر بر مبارزات مسلحانه، براساس مسقاوله‌نامه‌های ژنو و دیگر اسناد حقوقی بین‌المللی می‌باشند. (۳۵)

هرچند که نهضت‌های رهایی بخش و نبردهای پارتیزانی از روش‌های غیرمنظم و غیر مرسوم برای مبارزه با دشمن مدد می‌جویند، (۳۶) لیکن به رسمیت شناخته شدن آنها در حقوق بین‌الملل به عنوان سوژه‌های بین‌المللی مانع از آن است که دست به تخلف از قواعد به رسمیت شناخته شده بین‌المللی بزنند. حقوق این‌گونه جنبش‌ها برای دست‌یابی به اهداف خود مطلق نیست بنابراین ضرورتاً حق دست‌یازیدن به روش‌های تروریستی برای تهدید جان مردم بی‌دفاع را ندارند. بسیاری از حقوقدانان در اینجا مرز میان تروریسم و نهضت رهایی بخش را

دارند و نباید مورد مجازات‌های بین‌المللی قرار گیرند. اعلامیه‌ی اصول حقوق بین‌الملل در مورد روابط دوستانه و همکاری میان ملت‌ها استفاده از زور برای دست‌یابی به این حقوق را قانونی دانسته و شامل ممنوعیت استفاده از زور نمی‌باشد. (۳۳) ماده‌ی ۷ قطعنامه‌ی تعریف تجاوز نیز این حقوق را برای نهضت‌های رهایی بخش منظور داشته است:

”به حق ملت‌ها، به ویژه ملت‌های زیرسلطه‌ی رژیم‌های استعماری و یا نژادپرست یا دیگر شکل‌های سلطه‌ی بیگانه، که به زور از حق تعیین سرنوشت، آزادی و استقلال ناشی از منشور، محروم شده‌اند و اعلامیه‌ی اصول حقوق بین‌الملل مربوط به روابط دوستانه و همکاری میان ملت‌ها طبق منشور ملل متحد، به آن اشاره کرده است و نیز حق این ملت‌ها برای مبارزه در راه رسیدن به آن هدف‌ها و درخواست و دریافت پشتیبانی طبق اصول منشور ملل متحد و مطابق با اعلامیه‌ی بالا، هیچ نکته‌یی در این تعریف و به ویژه ماده‌ی ۳، نباید لطمه‌یی وارد آورد. (۳۴)”

ویژگی و ماهیت بین‌المللی نهضت‌های رهایی بخش در پروتکل الحاقی اول به مقاوله‌نامه‌های ژنو مربوط به حمایت از قربانیان نبردهای مسلحانه مورد شناسایی قرار گرفته

مربوط به عملکرد نهضت‌هایی رهایی بخش از طریق دو سازوکار عمده قابل اعمال است؛ اعمال اصل کیفری استرداد یا مجازات و همکاری بین‌المللی. با این وصف وجود دو مشکل عمده مانع از اعمال این سازوکارهای بوده است:

۱. وجود مصلحت سیاسی مانع از تحقق مجازات مرتکبان اقدام‌های تروریستی براساس اصل کیفری استرداد یا مجازات بوده است. به گونه‌یی که حتی در خصوص مقاله‌نامه‌ی اروپایی سرکوب تروریسم^(۴۰) (۱۹۷۷) نیز این مصلحت سیاسی به عنوان حق شرط توسط برخی از کشورها اعلام شد.

۲. همکاری جهانی برای سرکوب تروریسم به سبب وجود انگیزه‌های سیاسی پاره‌یی از کشورها تاکنون قابل انجام نبوده است. بنابراین حمایت سیاسی پاره‌یی از کشورها از انگیزه‌های سیاسی اقدام‌های تروریستی مهم‌ترین موانع را در راه همکاری‌های جهانی به وجود آورده است.

محمود مسایلی

ترسیم کرده و به وضعیت سیال میان این دو پدیده برای در نظر داشتن مجازات علیه اعمال جنایتی خاتمه می‌دهند. عدم مطلق بودن حق نهضت‌های رهایی بخش برای دست‌یابی به اهداف خود همواره مورد توجه مفسران و حقوقدانان می‌باشد.^(۳۷) طیف وسیع تعهدات بشردوستانه‌یی که حقوق بشردوستانه‌ی بین‌المللی بر نهضت‌های رهایی بخش تحمیل می‌کند، بسیار گسترده و متنوع است و مانع از آن می‌شود^(۳۸) که چنین جنبش‌هایی دست به اقدام‌های تروریستی بزنند و هم‌چنان به عنوان نهضت رهایی بخش صاحب حق باشند.

در نبردهای رهایی بخش نمی‌توان به حق مطلق نابود کردن دیگران تصریح کرد. بنابراین روش‌ها و ابزارهای نبرد نمی‌تواند، با اقدام‌های تروریستی یکسان تلقی شود. طبق مقاله‌نامه‌های ژنو استفاده از این‌گونه روش‌ها توسط نهضت‌های رهایی بخش، آنها را از وضعیت حقوقی مصرحه در حقوق بین‌الملل محروم می‌سازد.^(۳۹) بنابراین مرتکبان اعمال تروریستی برای اقدام‌های خود مسؤول بوده و می‌توانند مجازات شوند. ولی در فقدان توافق عام برای انعقاد مقاله‌نامه سرکوب تروریسم و وجود انگیزه‌های سیاسی در تروریسم، تخلفات

کتاب‌شناسی

۱. وقایع سیاسی نیمه‌ی دوم دهه‌ی ۶۰ و به ویژه دهه‌ی ۷۰ که عمدتاً در منطقه‌ی خاورمیانه و موضوع فلسطین اشغالی متمرکز بود، موجی از اقدام‌های خشونت بار به وجود آورد. از این پس واژه‌ی تروریسم و تحلیل پدیده و در مواردی چرایی آن مورد توجه محققان قرار گرفت. به موازات بررسی‌های حقوقی - سیاسی پدیده‌ی تروریسم در سطح بین‌المللی نیز مقاله‌نامه‌های چندی برای سرکوب تصویب شد که برخی از نمونه‌های آن عبارتند از:

- Hague Convention for the Unlawful Acts Against the Safety of Civil Aviation. 1970.
- Montreal Convention for the Suppression of Unlawful Acts against the Safety of Civil Aviation, 1971, 974, U.N.T.S, 177.
- Convention on the Prevention and Punishment of crimes against Internationally Protected Persons, including Diplomatic Agents, 1974, UNGA R es. 3166 (XXVII) 28 UN GADR Supp. No. 30, 147, UN Doc. A/9030.
- 2. Rupoport David C. "Fear and Trembling: Terrorism in Three Religions Traditions" American Political Science Review, 78 (1984), pp. 658-677.
- 3. Webster's New Collegiate Dictionary, Springfield, MA, 1951, entry on Terrorism.
- 4. Labayle Hanri: "Droit International et Lutte Contre le Terrorism" Annuaire Francais de Droit International, Vol. 32, (1987), p. 108.
- 5. Derby D.H. "Coming to terms with Terrorism, Relativity of Wrongfulness and the Need for a new Framework" Toronto law Review, 32 (1987) pp. 151-161.
- 6. An-Na'im Abdullahi Ahmed, "Islamic Ambivalence to Political Violence: Islamic Law and International Terrorism", German Yearbook of International Law, Vol. 31, (1988), p. 310.
- ۷. به عنوان مثال در حالی که اسرائیل می‌کوشد عملکرد جنبش مقاومت جنوب لبنان را تروریسم معرفی کند تا براین اساس توجیهی برای اشغال غیرقانونی و حملات روزانه‌ی هوایی و امنیتی خود به جنوب لبنان داشته باشد، نماینده‌ی لبنان در اظهارات خود در مجمع عمومی اقدام‌های اسرائیل را خطرناک‌ترین نوع تروریسم دانست. * ادعاهای متعارض روسیه برای وجود تروریسم در جمهوری چین، ادعاهای ایالات

متحده‌ی امریکا از مشارکت دولت‌هایی نظیر ایران، سوریه و کره شمالی در تروریسم و بالاخره حمایت عراق از گروه‌های مسلح تروریستی مخالف ایران (سازمان مجاهدین خلق) از این نمونه است. به گونه‌ی که ایران یکی از قربانیان تروریسم شده است.**

* Press Release, GA/L/3136, 33rd. Meeting, 13 No. 1999.

** Ibid.

۸. نگاه کنید به:

- Prevost J.F. "Aspects Nouveau du Terrorisme International" Annuaire Francais de Droit International, 1973.

- Konstantinove Emil "International Terrorism and International Law" German Yearbook of Internaitonal Law, Vol. 31, 1988.

- Bassiouni Cherif "The origins and Fundamental Causes on International Terrorism" in "International Terrorism and Political Crimes" Spring field, 1975.

9. Alan Roberts "Terrorism and International Order" in plawrence Fredman ed. "Terrorism and International Law" London, 1986, pp. 7-25.

10. Geissler E. "Biological and Toxic Weapons Today" oxford, Oxford University Press, 1986.

11. Kevin Soo Hoo, Sey Mour Goodman and Lawrence Greenberg" Information Technology and Terrorist Threat "Survival, Vol. 39, No. 3, Autumn 1997.

12. Elagats Omer Yousif "International Law Documents Relating to Terrorism" Cavendish Publishing Limited, 1995.

13. Schmid Alex, "Political Terrorism" New Brunswick, 1983, pp. 73-75.

14. Gao Feng Representative of China, Press Release, GA/L/3135, 15 Novermber, 1999.

15. UN Doc. A/C 6/40/Sr. 21, Para. 2,4.

16. Measures to Prevent International Terrorism which Engender or Takes Innocent Human Live or Geopordizes Fundamental Freedom... UNGA Res. 4/61, Dec. 9, 1985.

17. Schmid Alex, Op. Cit., pp. 76-77.

۱۸. برای مطالعه بیشتر درخصوص دیدگاه‌های متفاوت به منابع زیر مراجعه شود:

- Sliwowsk, Gerge "Legal Aspects of Terrorism" in Carlton David and Schaeff Carlas (ed.), "International Terrorism and World Security" London, 1975, pp. 69-70.
- Green L.C. "Terrorism; National, Regional and Global perspectives" in Yonab Alexander (ed.), "New York/ Washington/ London, 1971, pp. 151-186.
- David Ekcic "Le Terrorism en Drint International" in "Reflecons sur la Definition et la Repression du Terrorism" Bruxelles, 1974, pp. 109-171.
19. Kirsch p. Representative of Canada in Sixth Committee of G.A., 42nd Session of the General Assembly, 21 Oct 1987, UN Doc, A/42/336.
20. Press Release GA/L/3063, 14 Nov 1994.
21. Ibid.
22. Williams shoran A. "International Law and Terrorism: Age-old Problems, Different Targets" Annuaire Canadien de Droit Internaitonal, 1988, p. 91.
23. Terrell E. Arnold "The Violence Formula: Why People Lend Sympathy Support to Terrorism" Lexington and Taron to, 1988, p. 5.
24. Provizer Norman W. "Defining Terrorism" in Slann Martin and Barnord Schechterman (ed.), "Multidimensional Terrorism" Boulder and London, 1987, p. 8.
25. Turner Jobson James "Can Madern War be Just?" New Haven, 1984, P. 61, Quoted in: An-Nalin, Op. Cit., p. 314.
26. Terrell E. Arnold, Op. Cit., p. 9.
27. GA Res, 40/61, 1985, in International Legal Material, 25 (1986), pp. 239-241.
28. Frank T.M. and Lockwood B. B. "preliminary Thoughts Towards an International Convention on Terrorism" 68 American Journal of International Law, No. 69, 1974, pp. 72-88.

29. Schmit Carl "Theorie de partisanen" Berlin 1962, Quoted in Rumpf Helmut "International Legal Problems of Terrorism" German Foreign Affairs, Vol. 36, No. 4, 1985, p. 391.
30. Rumpf Carl, Op. Cit., p. 391.
31. Ibid, P. 390.
32. Atlam Hazen "National Liberation Movements and International Responsibility" in Marina Spifledi and Bruno Simma ed., "United Nations Codification of State Responsibility" New York/ Rome/London, 1987, p. 44.
33. Pomerance Michla "Self- Determination in Law and Practice" the Hague/Boston/London, 1982, p. 50.
34. GA Res. 3314 (XXIX), 29th Session, UN Doc. A/9631/Corr. 2, Supp. No. 31, 25 Sep 1975, pp. 142- 144.
35. Konstantionv Emil, Op. Cit., p. 305.
36. Kimminich "Guerrilla Forces" 3 Encyclopedia of Public International Law, 1982, pp. 201-202.
37. Sofar Abraham D. "Terrorism and the Law" Foreign Affairs, No. 64, 1986, pp. 901-921.
38. Hailbronner Kay "International Terrorism and the Law of War" German Year book of International Law, 25 (1982) pp. 192-193.
39. Tonan J. "Terrorism and the Regulation of Armed Conflict", in International Terrorism and Political Crimes, edited by Bassiauni, op cit., p. 133.
40. European Convention on the suppression of Terrorism, Strasburg, 27 January 1977, in 15161 International Legal Materials, pp. 1272-1276.



پڙهه ښکاره علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی